

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۰۹-۱۳۰

گونه شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵هـ)^۱

عطیه شریعت نژاد کیاسری^۲، هادی عالم زاده^۳
یونس فرهمند^۴، معصومعلی پنجه^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۰

چکیده

به ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی ادیب و مورخ پرکار سده سوم هجری بیش از سی و هفت اثر نسب داده اند که تنها یازده اثر از آنها در دست است. از این آثار هشت اثر در زمره آثار تاریخی و سه اثر از مقوله کتب ادب و لغت به شمار می آیند. در این مقاله کوشیده شد تا گونه شناسی تازه ای از نوشته های تاریخی ابن حبیب ارائه شود. با واکاوی موضوعات و محتوای آثار تاریخی بازمانده ابن حبیب می توان آنها را در دو گونه کلان همه چیز نگاری و تک نگاری (قبیله نگاری، مادر نگاری و نام نگاری) دسته بندی کرد. الْمُخَبَّر اتری همه چیز نگارانه و ترکیبی از گونه های مختلف تاریخ نگاری است که در ذیل ۱۷۵ عنوان، مطالب گوناگونی در آن آمده؛ از جمله، سیره، تراجم صحابه، تبار افراد، احوال زنان، تاریخ خلفا، مثالب و مناقب اشخاص و اطلاعاتی در آداب و رسوم عرب؛ اما الْمُتَمَّتُ فی اخبار قریش و أُمَّهَات النَّبِی از سنخ تک نگاری اند و می توان به آنها عنوان «قبیله نگاری» و «مادر نگاری» داد. دیگر آثار

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2021.34837.1493

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: shariatnejad.63@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): hd.alemzadeh@gmail.com

۴. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: Farahmand@srbiau.ac.ir

۵. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: panjeh@srbiau.ac.ir

ابن حبیب نظیر اسماء المَعْتالین مِنَ الاشراف فی الجاهلیه و الاسلام و اسماء مَن قُتِلَ
مِن الشُّعراء، مُختلف القَبائل و مُؤتلفها را که از ابداعات ابن حبیب و از سنخ
تکننگاری‌اند، می‌توان ذیل گونه «نام‌نگاری» جای داد.
واژگان کلیدی: تاریخ‌نگاری ابن حبیب بغدادی، همه‌چیزنگاری، قبیله‌نگاری،
مادرنگاری، نام‌نگاری.

مقدمه

ابوجعفر محمدبن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵هـ) ادیب و مورخ نیمه نخست قرن سوم هجری آثاری بسیار در موضوعات گوناگون نگاشته است. تبحر ابن حبیب در شاخه‌های گوناگون دانش‌های رایج در آن روزگار، از انسب و اخبار گرفته تا لغت، شعر و قبائل عرب (ابوالطیب الغوی، ۱۴۳۰: ۱۱۷؛ ابن ندیم، بی تا: ۱۵۵؛ بغدادی، ۱۴۲۲: ۸۷/۳؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۲۴۸۰) از او عالمی جامع‌الاطراف یا به تعبیر امروزیان «همه‌چیزدان» ساخته بود. ابن ندیم در *الفهرست* سی و هفت اثر از وی نام برده (همان: ۱۵۵) که از آن میان یازده اثر در دست است.

تنوع آثار ابن حبیب در موضوع و محتوا اعم از تاریخی یا ادبی چندان است که بر پایه گونه‌شناسی (طبقه‌بندی/سنخ‌شناسی)‌های رایج در میان محققان تاریخ‌نگاری نمی‌توان آنها را گونه‌شناسی کرد. منظور از محتوا، مضامین/مطالب آثار است که حول موضوع یا موضوعاتی مختلف سامان یافته‌اند و مراد از موضوع مبحثی است که توجه بدان در دوره مؤلف و پیش‌تر از آن در قالب تکنگاشت‌هایی متداول بوده و مؤلف در آثارش ذیل عنوانی واحد یا عناوین فرعی مختلف بدان پرداخته است.

در مطالعات تاریخ‌نگارانه در اسلام شناخت گونه‌ها عمدتاً با دو رویکرد همراه بوده است: در رویکرد نخست که اغلب محققان بر آن بوده‌اند توصیف مکتوب احوال و اعمال انسان به هر روش و رعایت هر شیوه تنظیم و تدوین شود، مواد و داده‌های تاریخی دانسته شده و گونه‌شناسی با نگاهی جزئی و بر مبنای محتوای آثار و شیوه‌های مختلف شکل گرفته و هر یک از انواع آن نظیر سیره، طبقات، معاجم، نسب‌شناسی، تسمیه‌نگاری، مثالب، مناقب و جز اینها به‌عنوان گونه‌ای تاریخی تلقی و معرفی شود؛^۱ در رویکرد دوم که چ. اف. رابینسون^۲ از آن پیروی کرده، منظور از اصطلاح گونه‌شناسی مفهومی انتزاعی و ایدئال^۳ است و انواع تاریخ‌نگاری اسلامی در سه دسته سیره‌نگاری، تراجم‌نگاری (طبقات، معاجم) و گاه‌نگاری

۱. در این باره رک: روزنتال، ۱۳۶۸: ۸۱/۱؛ سجادی و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۰۹؛ ناجی، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۱۹-۹۸.

2. Ch. F. Robinson.

3. Ideal Type.

خلاصه شده و نوشته‌های تاریخی نظیر نسب‌شناسی، فهرست‌نویسی، مثالب، مناقب و نظایر اینها گونه تاریخی به شمار نمی‌آیند چون که فاقد دو ویژگی اصلی تاریخ‌نگاری، یعنی قالب نثر و تعاقب زمان‌اند (رایبسون، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۱۸ و ۲۶-۲۵).

در جمع بین این دو دیدگاه «می‌توان تمامی مکتوبات تاریخی در سده‌های نخستین هجری و پس از آن را ذیل دو گونه اصلی جای داد: گونه نخست شامل آثاری که صرفاً حاوی مواد تاریخی‌اند، نظیر کتاب‌هایی با عنوان الاوائل، المثالب، المناقب، تک‌نگاری‌ها و نظایر اینها و گونه دیگر، آثاری که افزون بر مواد تاریخی همراه با درک تاریخی^۱ و تعاقب زمان‌اند»^۲ مطابق با این نظر تألیفات ابن حبیب و دیگر مؤلفان سده‌های نخستین هجری به‌عنوان آثاری که حاوی مواد تاریخی‌اند، محل اعتنا است. با این همه از میان آثار ابن حبیب تنها المُنَمَّق فی اخبار قریش و المَحَبَّر مدنظر محققان بوده که در گونه‌شناسی این دو نیز، نظری واحد ارائه نشده است.

ف. روزنتال^۳ ذیل تاریخ خبر بی‌ذکر اثری از ابن‌حبیب آثار او را مجموعه‌ای از تک‌نگاشت‌های خبری و به‌منزله پایان صورت تاریخ خیر دانسته است (روزنتال، ۱۳۶۸: ۸۵/۱)؛ به پیروی از او م. ناجی نیز دو کتاب اصلی و مشهور وی، المَحَبَّر و المُنَمَّق، را ذیل تاریخ‌نگاری خبر و حاوی اطلاعات تاریخی در موضوعات گوناگون از جمله عرب دوره جاهلی، سیره نبوی و تاریخ اسلام معرفی کرده است (ناجی، ۱۳۷۵: ۹۸/۲)؛ حال آنکه ر. جعفریان از منظری کلان تألیفات ابن حبیب را ذیل گونه تاریخ‌نگاری اجتماعی و فرهنگی و در اخبار شعر و شاعران به شمار آورده و ذیل گونه «تسمیه‌نگاری» نیز به المَحَبَّر اشاره کرده است (جعفریان، ۱۳۹۳: ۴۱، ۴۳). این گونه‌شناسی‌ها جامع نیستند و همه محتوا و موضوعات آثار ابن حبیب را در بر نمی‌گیرند؛ از این رو در این مقاله کوشیده شد، بیان شود که آثار تاریخی موجود از ابن حبیب به کدام شیوه‌ها تدوین شده (ساختار) و حاوی چه محتوای موضوعاتی است و بر مبنای این معیارها هریک از آنها را در کدام یک از گونه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی می‌توان جای داد.

۱. روزنتال ذیل عنوان جهان‌نگری تاریخی محمد(ص) (The historical outlook of Muhammad) به مفهوم درک تاریخی پرداخته و از توجه ایشان به تاریخ گذشته و آینده سخن گفته است. از نظر وی: «تاریخ در نظر رسول اکرم عظیم جلوه می‌کرد. به‌طور کلی گرچه پیامبر نتوانست پیشرفت حیرت‌آور علم و دانشی را که بعدها در پرتو دین اسلام به وجود آمد، پیش‌بینی کند، مع‌هذا سعی ایشان به رشد آتی تاریخ‌نگاری در اسلام مدد رسانده است» (روزنتال، ۱۳۶۸: ۴۳/۱).

۲. از تقریرات عالم‌زاده در درس «شناخت مآخذ».

پیشینه

محققان از میان آثار ابن حبیب بیش از همه به *المحبر و المنمق فی اخبار قریش* توجه کرده‌اند، اما در باب گونه‌شناسی این دو اثر نیز دقت کافی و اهتمام وافی به کار نبسته‌اند. ایلزه لیشتن اشتاتر^۱ نخستین کسی است که به *المحبر* توجه نشان داده و در مقاله‌ای با عنوان «محمد بن حبیب و کتابش *المحبر*» (۱۹۳۹) پس از معرفی ابن حبیب ذیل عنوان منابع به سلسله اسانید ذکر شده در اثر و استادان او پرداخته است. دلاویدا^۲ در مقاله «مادر - نام‌های شاعران نوشته محمد بن حبیب» (۱۹۴۲) محتوای اثری از ابن حبیب با عنوان *من نسب الی امه من الشعراء* را عرضه کرده است. خورشید احمد فاروق در *مقدمه المنمق فی اخبار قریش* (۱۹۸۵) و محمد حمیدالله در *خاتمه المحبر* (۲۰۰۹) پس از معرفی زندگی علمی و اجتماعی ابن حبیب، درباره منابع وی در تدوین آثارش نوشته‌اند.

توجه عبدالسلام هارون در *مقدمه اسماء المغاتلین من الاشراف فی الجاهلیه و الاسلام و یلیه کنی الشعراء*^۳ و *من غلبت کنیت علی اسمه* (۲۰۰۰)، به شیوه ابن حبیب، نظیر ذکر نکردن دلیل تألیف و ملزم نبودن مؤلف به شیوه واحد در تنظیم مطالب، در تألیف کتاب خالی از فایده نیست. علی عبد مشالی در مقاله‌ای با عنوان «ابن حبیب بغدادی (ت ۲۴۵هـ) درسه فی منهجه و موارد کتاب المنمق مثلاً» (۲۰۱۶) به زندگی علمی، سیاسی و اجتماعی ابن حبیب و آیات قرآن، احادیث مذکور در اثر، راویان و شعرایی که ابن حبیب از ایشان نام برده پرداخته است. عابد رحمان طیار در مقاله «کتاب *المحبر* ابن حبیب و جایگاه آن در تاریخ‌نویسی نخستین اسلامی» (۲۰۱۸) با بررسی روند ادغام مضامین عرب-اسلامی با کتاب مقدس و منابع یهودی، *المحبر* را نخستین گام در تکامل تاریخ‌نگاری اسلامی به صورت عام و توجه به تاریخ جهان به صورت خاص معرفی کرده است.

۱. همه چیز نگاری

در نگاه نخست *المحبر* اثری است که بیش از همه به نام‌نامه عرب/ فرهنگ نام‌ها شباهت دارد. دیدگاه روزنتال که *المحبر* را ذیل تاریخ خیر^۴ و دیدگاه جعفریان که آن را ذیل تسمیه‌نگاری

1. Ilse Lichtenstadter.

2. G. Levi Della Vida

۳. دو اثر در مجموعه‌ای واحد با عنوان *نوادیر المخطوطات* گرد آمده‌اند و عبدالسلام هارون مقدمه‌ای واحد برای دو اثر نگاشته‌اند؛ زین سبب سال (۲۰۰۰) صرفاً در *خاتمه من غلبت کنیت علی اسمه آمده است*.

۴. جعفریان (۱۳۹۳: ۴۲) می‌نویسد: «نوعی نگارش تاریخی شرح حالی است که در تاریخ‌نگاری اسلامی به‌عنوان یک روش استفاده می‌شده است. اساس این روش بر این بوده که نویسنده فهرستی از اسامی افرادی را ارائه

دانسته، همه موضوعات و مندرجات اثر را پوشش نمی‌دهد؛ زیرا به هیچ روی اثری در تاریخ خبر نبوده و گونه تسمیه‌نگاری صرفاً در معنای فهرستی از اسامی افراد درگیر در ماجرای خاص نیز با محتوا و موضوعات تمام اثر مطابقت ندارد. همچنان که نمی‌توان آن را از گونه گاه‌نگاری در معنای رعایت توالی زمان و افراد دانست، زیرا تنها در مباحث آغازین اثر نظیر مدت زمان میان انبیا، طول عمر پیامبران، اسامی خلفا (ابن‌حیب، ۱۳۶۱: ۳۳-۱) و گاه در موضوعاتی نظیر معرفی غزوه‌ها، سریه‌ها و اسامی پادشاهان توالی زمان و افراد رعایت شده (همان: ۶۶۷-۶۶۵ و ۳۷۰-۳۵۸ و ۱۲۵-۱۱۰) و این روند در *المحبر* تداوم نداشته است.

بررسی محتوای *المحبر* حاکی از آن است که اثری مرکب از گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری نخستین اسلامی نظیر سیره‌نگاری، صحابه‌نگاری، مناقب‌نگاری، مثالب‌نگاری، نسب‌نگاری و آداب و رسوم است که به صورت رساله‌های کوچک و اغلب به شکل فهرستی از اسامی عرضه شده است؛ از این رو *المحبر* اثری همه‌چیزنگارانه بوده که موضوعات و محتوای هر یک از آنها به شرح زیر تفکیک‌پذیر است:

۱.۱. سیره‌نگاری

منظور از سیره، زندگی‌نامه شخصی خاص از تولد تا مرگ است (رابینسون، ۱۳۹۷: ۱۲۷) و اغلب محققان سیره‌نویسی را از گونه‌های اصلی تاریخ‌نگاری به شمار آورده‌اند (رابینسون، ۱۳۹۷: ۱۱۶؛ جعفریان، ۱۳۹۳: ۳۰؛ ستوده، ۱۳۹۸: ۶۷). در اینجا منظور از سیره موضوعاتی است که پیرامون سرگذشت پیامبر به صورت فهرستی از اسامی گرد آمده است؛ برای نمونه، زمان تولد پیامبر، معرفی غزوات و سریه‌ها، جده‌های پیامبر که عاتکه نام داشتند، جده‌های پیامبر که فاطمه نام داشتند، نسب‌شناسی پیامبر از جانب مادران، فرستادگان پیامبر نزد ملوک، فرماندهان سپاه رسول خدا، موالی رسول خدا، کسانی که محمد نام داشتند، اسامی پرده‌داران رسول خدا و خلفا، اسامی نقبای پیامبر/کسانی که پیامبر تولیت امری را به ایشان سپرد، اسامی زنانی که با رسول خدا بیعت کردند، اسامی زنانی که به مشرکان ملحق شدند و رسول خدا مهریه همسران ایشان را پرداخت، همسران پیامبر، دامادهای پیامبر، دختران پیامبر، زنانی که با رسول خدا ازدواج کرده اما هم‌بستر نشدند (ابن‌حیب، ۱۳۶۱: ۳۲ و ۴۰۵ و ۲۶۸ و ۲۵۸ و ۱۳۰ و ۱۲۹ و ۱۲۸ و ۱۱۰-۱۲۵ و ۷۵ و ۷۱ و ۵۱ و ۴۷ و ۱۱-۸).

۱.۲. صحابه‌نگاری

منظور از صحابه‌نگاری معرفی شماری از صحابه است که در مجموعه‌ای خاص جای

می‌داده که درگیر در ماجرای خاصی بوده‌اند و به صورت یک رساله یا کتاب عرضه می‌کرده است»

می‌گرفتند، نه شرح دقیق احوال تمامی آنها به شیوه‌ای که ابن‌عبدالبر در *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب* به آن پرداخته است؛ نظیر پیمان برادری میان صحابه قبل از هجرت، پیمان برادری میان صحابه بعد از هجرت، کسانی که محمد نام داشتند، نخستین شخص از مهاجرین که محمد نامیده شد، نخستین شخص از انصار که محمد نامیده شد، نخستین کسانی از مهاجرین و انصار که بعد از هجرت متولد شدند، کسانی از مهاجرین و انصار که نامشان سعد و عبدالله بود و در جنگ بدر حضور داشتند، کسانی که از غزوه تبوک سرپیچی کردند، جاسوسان پیامبر در جنگ بدر، اسامی کسانی که در عهد پیامبر به جمع‌آوری قرآن پرداختند، اسامی بشارت‌دهندگان به پیامبر، اسامی موالی مهاجران و انصار که در جنگ بدر کشته شدند، اسامی صحابه رسول که در جنگ جمل و صفین با علی (ع) بودند (همان: ۲۸۹ و ۲۸۷ و ۲۸۶ و ۲۸۵ و ۲۷۸ و ۲۷۶ و ۲۷۴-۲۷۵ و ۱۳۰ و ۷۱-۷۰).

۱.۳. مناقب‌نگاری

تدوین تک‌نگاری‌هایی در بیان مناقب^۱ و فضائل، در نتیجه رقابت‌های قبیله‌ای و برای حفظ مآثر و اخبار و انساب قبایل بوده است (سجادی و دیگران، ۱۳۷۵: ۵۶). ابن‌حیب در مباحث نسب‌شناختی و ویژگی‌های فردی و اخلاقی به ذکر مناقب افرادی از قریش پرداخته، نظیر خلفایی که مادرانشان از قبیله قریش بودند، اشراف قریش، کسانی که از طرف مادر تا دو نسل از بنی‌هاشم بودند، نخستین کسی که از طرف مادر تا دو نسل از بنی‌هاشم بوده است، نخستین کسی که از جانب مادر تا سه نسل از بنی‌هاشم بوده است، سخاوتمندان زمان جاهلیت، سخاوتمندان مسلمان، وفاداران عرب در جاهلیت، کسانی که در جاهلیت بت‌پرست نبودند، سخت‌کوشان در جنگ، زیرکان عرب، فصیحان عرب، کسانی که در جاهلیت حکمی داده‌اند که موافق با حکم اسلام بوده است، کسانی که در جاهلیت شراب، مستی، ازلام، قمار و قرعه را منع کردند، کسانی از مضر، ربیع، قضاعه و یمن که فرماندهی سپاهی هزار نفری را عهده‌دار بودند، اسامی افرادی که شبیه پیامبر بودند و مردانی که به دلیل زیبایی نقاب بر چهره داشتند (همان: ۴۷۴ و ۳۷۷ و ۳۵۵ و ۳۴۸ و ۲۵۱-۲۴۶ و ۲۴۱ و ۲۳۳ و ۲۳۲ و ۱۸۴ و ۱۸۱ و ۱۷۱ و ۱۶۶ و ۱۶۲ و ۱۶۱ و ۱۴۶ و ۱۳۷).

۱. «مناقب / مَنَقَبَت‌نگاری: مَنَقَبَت به معنای شایسته‌کرداری است و جمع آن مناقب است. ... این اصطلاح در عرف تاریخ‌نگاری اسلامی نوعی سیره اختصاصی است که کلیه فضایل، افعال، کردار، معجزات، کرامات و عبادات شخص مدنظر را بیان می‌کند. مناقب‌نگاری از پیامبر گرامی خدا، حضرت فاطمه (س) و امامان (ع) تا عالمان و بزرگان صحابه و تابعین را در بر می‌گرفته است» (آیین‌وند، ۱۳۸۷: ۲۶۴).

۱.۴. مثال‌نگاری

محتوای *المحبر* در مثال یا به عبارتی بیان ویژگی‌های ناپسند افراد گاه در موضوعات نسب‌شناختی و گاهی در موضوعات اخلاقی، ویژگی‌های فردی و در مواردی طعن در مشاغل افراد بوده است؛ نظیر خلفایی که مادرانشان کنیز بودند، کسانی که مادرانشان نصرانی بودند، کسانی که مادرانشان حبشی بودند، نجبای نادان قریش، نادان‌های ثقیف، زنان نادان، آزاردهندگان قریش، مسخره‌کنندگانی از قریش که به اشکال مختلف مردند، تفرقه‌افکنان، زنادقه‌قریش، زنانی که مرگ پیامبر آرزویشان بوده، خون‌ریزهای عصر جاهلیت، نیرنگ‌زنندگان عرب، اسامی منافقانی از اوس و خزرج، اسامی کسانی که از جنگ گریختند، اسامی مفسدان، اشرافی که به دلیل سرقت دستشان قطع شد، اشرافی که در جنگ چشمانشان را از دست دادند، اشراف نابینا، اشرافی که جذام یا پسی داشتند، اشراف یک چشم، اشراف معلول و اشرافی که چشمشان دوبین بوده از جمله موضوعات *المحبر* در مثال است (همان: ۴۹۴-۴۷۰ و ۴۶۷-۴۵۵-۴۳۵ و ۳۸۱ و ۳۸۰ و ۳۷۹ و ۳۰۵ و ۳۰۴ و ۳۰۳ و ۳۰۲-۲۹۹ و ۲۹۶-۲۶۱ و ۲۴۴ و ۱۹۲ و ۱۸۵ و ۱۶۱ و ۱۶۰ و ۱۵۷ و ۴۵).

۱.۵. نسب‌نگاری

در *المحبر* افزون بر صورت تبارنامه‌ای و معرفی سلسله نسب افراد تا چند نسل؛ نظیر معرفی نسب پیامبر، خلفای راشدین، اموی و عباسی از جانب مادر، نسب مریم بنت عمران و نسب دانیال؛ به معرفی مناسبات خانوادگی و آشکارکردن روابط سببی و نسبی افراد نیز توجه شده؛ نظیر اسامی فرزندان اسماعیل، اسحاق، یعقوب، مدین بن ابراهیم و فرزندان ابراهیم، دختران رسول خدا، دامادهای پیامبر، دامادهای ابوبکر، عمر، عثمان و علی و حسن رضی الله عنه، دامادهای خلفای بنی امیه، دامادهای عبدالله بن زبیر، دامادهای خلفای عباسی، دامادهای عبدالملک، دامادهای اصحاب شوری، اسامی کسانی که در جنگ بدر بر صفیه وارد شدند و با او محرم بودند، مردی که چهار خلیفه با دختران او ازدواج کرد، کسانی که نزدیک‌ترین فرد به نیای بزرگ بودند و کسانی که از فرزندان، نوه و نتیجه صد نفر را دیده‌اند (همان: ۳۹۴ و ۳۹۰ و ۳۸۹ و ۳۸۶ و ۲۵۷ و ۲۴۳ و ۵۲-۶۵ و ۸-۳۳).

۱.۶. آداب و رسوم

ابن حبیب ذیل عنوان سنت‌های رایج در جاهلیت که با ظهور اسلام برخی باقی و تعدادی از بین رفته‌اند، به آداب و رسوم عرب در عصر جاهلیت نظیر مراسم حج، رسم تلبیة بتان،

بازارهای معروف در جاهلیت، رسم کفن کردن میت قبل از اسلام، انواع ازدواج در جاهلیت و قطع دست دزدان توجه نشان داده و در عناوینی مجزا نظیر داوران عرب، توشه‌داران کاروان، محاسبه‌گران ماه کیبسه/ نسأه، به مشاغل عرب در عصر جاهلیت پرداخته است (همان: ۴۶۵ و ۳۸۸ و ۳۷۳ و ۳۰۹-۳۴۰ و ۲۸۵ و ۲۵۸ و ۱۸۹ و ۱۷۳ و ۱۵۶ و ۱۳۷ و ۱۳۲ و ۳۲).

۱.۷. زن‌نگاری

در *المحبر* ذیل مباحث نسب‌شناختی، مناقب‌نگاری، مثالب‌نگاری، آداب و رسوم و مناسبات خانوادگی به زنان توجهی ویژه شده است. در مباحث نسب‌شناختی نسب مادری پیامبر و خلفا مدنظر ابن حیب بوده (همان: ۱۳-۸)، نیز توجه به مناسبات خانوادگی زنان با پیامبر، اشراف و افرادی که در جنگ‌ها حضور داشتند، از دیگر موضوعات *المحبر* بوده؛ نظیر جدات پیامبر که عاتکه و فاطمه نام داشتند، زنی که دوازده خلیفه با او محرم بود، زنی که پدر، جد و همسرش در بدر کشته شدند، زنی که از مردان متعدد هفت پسر داشت و به گواهی پیامبر همگی آنها در یکی از جنگ‌ها شرکت داشتند، زنی که دو برادرش در جنگ بدر با پیامبر و دو برادر دیگرش با مشرکان بودند، زنی که پدر و عمویش در جنگ بدر با رسول خدا بودند و عمومی دیگرش با مشرکان بود، زنی که دایی‌اش در بدر با پیامبر و دایی دیگرش با مشرکان بود، زنی که برادر، دایی و همسرش در روز احد شهید شدند، زنی که چهار همسر و برادرش در روز بدر در سپاه پیامبر بودند، همسران رسول خدا که با وی همبستر نشدند (همان: ۴۰۵ و ۴۰۴ و ۴۰۳ و ۴۰۲ و ۴۰۱ و ۴۰۰ و ۳۹۹ و ۳۹۷ و ۴۷).

شماری از موضوعات در مناقب زنان است، نظیر زنان بلندمرتبه‌ای در نسب که بعد از ازدواج در ماندن یا ترک کردن همسرانشان مخیر بودند، زنان وفاداری که بعد مرگ همسرشان ازدواج نکردند، زنان نجیب/ زنانی که سه فرزند پسر از اشراف داشتند و زنانی که با پیامبر بیعت کردند. برخی موضوعات نیز در مثالب است؛ نظیر افرادی از قریش که مادرشان حبشی، سندی، نبطی، یهودی و نصرانی بودند و زنانی که بیش از سه بار ازدواج کردند (همان: ۴۵۵ و ۴۳۵ و ۴۳۳ و ۴۰۶ و ۳۹۸ و ۳۹۶ و ۳۰۶ و ۳۰۵). در مباحث آداب و رسوم پیرامون زنان در جاهلیت، کسب درآمد از طریق کنیزان، رسم سه طلاقه، ارث‌نبردن زنان و کودکان، عده نگه‌داشتن زنان پس از طلاق، ازدواج با دو خواهر و ازدواج با همسران پدر از موضوعات مدنظر مؤلف بوده است (همان: ۳۲۷ و ۳۲۵ و ۳۲۴).

۲. تک‌نگاری

منظور از تک‌نگاری یا تک‌نگاشت گونه‌ای از نگارش یا تألیف است که به تفصیل یا اختصار درباره موضوعی واحد نوشته شده باشد. از میان آثار ابن‌حیب جز *المحبر* که اثری در موضوعات متنوع بوده و از آن با تعبیر همه‌چیزنگاری یا همه‌چیزنگاشت یاد شد، باقی آثار موجود از او پیرامون موضوعی واحد گرد آمده‌اند. تک‌نگاشت‌های ابن‌حیب به تناسب موضوع و هدف نویسنده ذیل عناوینی مانند *قبیله‌نگاری*، *مادرنگاری* و *نام‌نگاری* دسته‌بندی و معرفی شده‌اند.

۲.۱. قبیله‌نگاری

المنمق فی اخبار قریش تک‌نگاشتی درباره قبیله قریش است و چنان‌که *مصحح المنمق* در مقدمه آورده حاوی موضوعاتی است که تنها از طریق این اثر تا کنون به دست ما رسیده (ابن‌حیب، ۱۴۰۵: ۱۳) و از این‌روی در نوع خود منحصر به فرد است. ساختار *المنمق* ترکیبی از شیوه تاریخ‌نگاری خبر و تسمیه‌نگاری است و مؤلف در ذکر سلسله اسانید خبر تساهل ورزیده است.^۱ دیدگاه تاریخی، نوع روایات و مواد تاریخی که در *المنمق* دیده می‌شود در حقیقت استمرار دیدگاه قبیله‌ای پیش از اسلام به حوادث است. موضوعات *المنمق* و محتوای هر یک از آنها به شرح زیر است:

الف. اخبار پیرامون افرادی از قریش

منظور از خبر توصیف جامع رویدادی واحد است که معمولاً به صورت داستان کوتاه و اغلب به صورت گفت و شنود و توأم با شواهد شعری بوده و با عنوان حدیث، قصه و ذکر آغاز شده است (روزنتال، ۱۳۶۸: ۸۲/۱-۸۱)؛ برای نمونه، حدیث (حکایت) ایلاف، قصه زهره و امیه، حدیث آهوی کعبه، حدیث فیل، حدیث قصی بن‌کلاب و جمع شدن قریش به دور او و داخل شدن ایشان در بطیحه، حدیث اركاج، داستان ظلم و ستم فرزندان سبعه به نقل از کلبی، داستان سهیل بن عمرو در رده، داستان رنگ کردن موی عبدالمطلب با گیاه، حدیث قسامه، قصه اسد و بنی عدی از واقدی، قصه عمر بن خطاب با عماره بن ولید به نقل از واقدی، داستان ابی‌الحفص بن‌اخیف از واقدی، داستان منطقه قریه به نقل از کلبی، حدیث فاکه از واقدی، حدیث قیس بن‌نشه و جوار او به عباس بن عبدالمطلب، حدیث رقیقه، داستان فریادهای کوه ابوقبیس، حدیث اصل اموال عبدالله بن جدعان، داستان مرثیه‌خوانی برای عبدالله بن جدعان، قصه

۱. در باب روش اسنادی و گذار آن در تاریخ‌نگاری اسلامی (نک: آقاجری و دیگران، ۱۳۹۴: صص ۳۱-۱).

رکانه، قصه عثمان بن حویرث با قیصر، حدیث مرگ ولید بن مغیره و وصیت او، حدیث قتل ابو ازیهر دوسی، حدیث پیامبر و ابولهب، حدیث پیروزی طلیب بر پیامبر، داستان هشام بن مغیره و ضباعه، حدیث حسابگران ماه کبسه از کنانه، قصه بت‌های مکه، حدیث زبیر و اعرابی، حدیث فریادزننده شب در مرثیه هشام، حدیث مجلس قلاده و حدیث مسافر و هند (ابن حبیب، ۱۴۰۵: ۳۶۹ و ۳۵۷ و ۳۵۳ و ۳۴۲ و ۳۳۲ و ۳۲۷ و ۲۲۷ و ۲۲۵ و ۲۲۴ و ۲۱۸ و ۱۹۹ و ۱۹۱ و ۱۵۴ و ۱۵۲ و ۱۵۰ و ۱۴۹ و ۱۴۸ و ۱۴۵ و ۱۴۳ و ۱۴۲ و ۱۳۹ و ۱۳۱ و ۱۳۰ و ۱۲۵ و ۱۱۲ و ۱۱۱ و ۸۳ و ۸۱ و ۷۰ و ۵۹ و ۴۸ و ۴۱).

ب. احلاف قریش

ابن حبیب در ۴۳ عنوان به احلاف یا به عبارتی پیمان‌های قریش پرداخته و در باب هر یک روایات متعدد را با ذکر سلسله اسانید نقل کرده است: پیمان مطیین؛ پیمان فضول؛ پیمان عدی و سهم؛ پیمان قبیله خزاعه برای عبدالمطلب؛ پیمان فضول از ابن‌بختری؛ شرح مطیین و هم‌پیمانان به نقل از کلبی؛ پیمان قریش با احابیش؛ پیمان‌های قریش با ثقیف و دوس؛ پیمان بنی‌علاج؛ پیمان حارثه بن الاوقص با ابن‌ابی‌ثابت؛ پیمان جحش بن رئاب؛ پیمان قارظ؛ پیمان بنی‌شیمان؛ پیمان آل‌سوید؛ پیمان مرثد بن ابی مرثد الغنوی؛ پیمان بنی‌نسیب بن حارث؛ پیمان آل‌عاصم و آل‌سباع؛ پیمان عبدالله بن سعود الهذلی؛ پیمان آل‌صغیره بن عذره؛ پیمان عمرو بن الاعظم؛ پیمان ابی‌اسامه؛ پیمان النبش بن زراره؛ پیمان مسعود بن عمرو؛ پیمان بنی‌حارث بن فهر و عبدمناف؛ پیمان اوس و قریش؛ پیمان مرداس بن ابی‌عامر و حرب بن امیه؛ پیمان بنی‌عامر بن لؤی و عدی بن عمرو؛ پیمان مطیین و دیگر پیمان‌ها در روایت ابن‌ابی‌ثابت؛ پیمان فضول به روایت ابن‌ابی‌ثابت؛ پیمان جحش بن رئاب بن امیه؛ پیمان مقداد بن اسد بن عبد یغوث» (همان: ۲۶۷ - ۲۷۵ و ۱۸۹ و ۱۸۶ و ۸۶ و ۸۰ و ۵۲ و ۵۰).

ج. ایام قریش

شرح جنگ‌های بزرگ و کوچک میان قبایل قریش و تفاخر آنها بر یکدیگر از موضوعاتی بوده که ابن حبیب در ۲۴ عنوان به آن پرداخته است: داستان فیل، داستان ارکاح، داستان اتفاقی که میان قریش و کنانه در روز ذات‌النکیف رخ داد، روز آبشار، روز فح، داستان فجار، داستان ستیز محارب بن فهیره و بنی‌ضمیره، داستان فجار اول که مرتبط با قریش بود، داستان فجار دوم، داستان فجار سوم، داستان فجار چهارم، ادامه فجار چهارم به نقل از ابو عبیده معمر بن مثنی، روز عبلاء به نقل از واقدی، روز شرب، داستان روز غمیصا، روز ذی ضال/ قصبیه (همان: ۳۵۳ و ۲۱۱ و ۱۸۲ و ۱۸۱ و ۱۶۴ و ۱۶۳ و ۱۶۱ و ۱۳۲ و ۱۵۴ و ۱۲۳ و ۱۱۷ و ۱۱۳ و ۸۳ و ۷۰ و ۱۲)

د. مقاتل قریش

مقتل‌نویسی^۱ از انواع نگارش‌های تاریخی رایج میان مؤلفان بوده که در آن قتل یا شهادت شخصیت یا شخصیت‌های مهم شرح داده شده است. ابن‌حبیب ذیل عناوین داستان ابی‌حفص بن‌احیف به نقل از واقدی، داستان فاکه به نقل از واقدی، داستان کشته‌شدن ازبهر دوسی، مقتل عبدالرحمن بن‌خالد و علت آن، به‌صورت مفصل چگونگی به قتل رسیدن افراد را بیان کرده است (همان: ۳۶۰ و ۱۹۹ و ۱۳۱).

ه. منافرات قریش

منافره در لغت به معنای تفاخر در حسب، نسب و شرف است. در *لسان‌العرب* از ابن‌منظور به نقل از ابو عبیده آمده است: «منافره یعنی دو نفر که هر کدام بر یکدیگر فخرفروشی کرده و خود را برتر از دیگری داند و با این ادعا پیش نفر سوم روند تا بین آنها حکم کند»^۲. ابن‌حبیب در ۱۴ عنوان به منافرات قریش پرداخته و در برخی از منافرات وصف محاسن افرادی نظیر عبدالمطلب و عباس بن‌عبدالمطلب ذکر شده است: «منافره عبدالمطلب و حرب بن‌امیه، منافره عبدالمطلب با قبیلۀ ثقیف، منافره هاشم بن‌عبد مناف با امیه بن‌شمس، منافره عائذ بن‌عبدالله بن‌عمر بن‌مخزوم با حارث بن‌سعد بن‌عبدالعزی، منافره مالک بن‌عمیله با عمیره بن‌هاجر خزاعی، منافره بنی‌مخزوم و بنی‌امیه، منافره بنی‌قصی و بنی‌مخزوم، منافره بنی‌لؤی بن‌غالب، منافره عتبه بن‌ربیع با فاکه بن‌مغیره مخزومی» (همان: ۱۰۹-۹۰).

و. مثالب قریش

آنچه در *المنمق* ذیل موضوعاتی در مثالب و مناقب قریش آمده به شیوه فهرست‌نویسی عرضه شده است: کسانی از قریش که دندان پیشین بالای ایشان جلوتر از دندان زیرین بود؛ اشرافی از قریش که یک چشمشان چپ بود؛ معلولان قریش؛ نابینایان قریش؛ یک‌چشمیان قریش؛ مسخره‌کنندگان قریش و اخبار کشته‌شدن آنها؛ دروغگویان قریش؛ حد زده‌شدگان قریش؛ نجبای نادان قریش؛ کسانی که به زندگی پس از مرگ اعتقادی نداشتند؛ توشه‌داران کاروان؛ افرادی از قریش که مادرشان حبشی، سندی، نبطی، یهودی و نصرانی بود و کسانی که به دلیل سرقت دستشان قطع شده است (همان: ۴۰۵ و ۴۰۴ و ۳۹۴ و ۳۹۰ و ۳۸۶ و ۳۲۸ و ۳۲۷).

۱. مقتل: جمع آن مقاتل، جای کشتن و زمینی که در آنجا کسی کشته شده باشد، قتلگاه (ابن‌منظور، بی‌تا: ۵۵۰/۱۱).

۲. ذیل نفر: «المنافرة ان یفتخر الرجلان کل واحد منهما علی صاحبه ثم یحکما بینهما رجلا» (ابن‌منظور، بی‌تا: ۵/۲۲۶).

ز. مناقب قریش

کسانی که در جاهلیت شراب، مستی، ازلام و قمار را حرام کردند؛ سران و بزرگان قریش؛ طعام‌دهندگان قریش در جنگ بدر؛ بخشنندگان قریش؛ کسانی از قریش که قبل از اسلام از پرستش بت‌ها دست کشیدند؛ اهل حمس؛ یاران پیامبر که از قریش بودند؛ شبیهان به پیامبر؛ زیبارویان قریش؛ شریفان قریش از حیث نسب؛ رؤسای قریش؛ سواره‌نظام‌های قریش؛ حاکمان قریش در منافرها و مفاخره‌ها؛ کسانی که از جانب مادر تا دو نسل از بنی‌هاشم بودند؛ افرادی که مادرشان تا سه نسل از بنی‌هاشم بودند (همان: ۴۲۵ و ۴۲۴ و ۴۲۲ و ۴۲۱ و ۳۸۹ و ۳۷۱ و ۳۳۱).

۲.۲. مادرنگاری

منظور از گونه مادرنگاری در تألیفات ابن حبیب آناری است که به معرفی سلسله نسب و شجره‌نامه افراد از جانب مادر تا چند نسل به روش مبسوط اختصاص یافته است. نمونه‌هایی از مادرنگاری پیامبر، خلفای راشدین، اموی و عباسی تا روزگار مؤلف به اختصار در *المحبر* نقل شده (ابن حبیب، ۱۳۶۱: ۴۵-۹۱۲)؛ اما *أمّهات النبی* تنها اثر موجود از ابن حبیب است که به صورت مستقل در معرفی سلسله نسب پیامبر از جانب مادر تدوین شده است. او ابتدا سلسله نسب آمنه، مادر پیامبر را از جانب مادرانش تا هشت نسل بر شمرده و پس از آن مادران پدر و اجداد پیامبر را معرفی کرده است: عبدالله، عبدالمطلب، هاشم، عبد مناف، قُصَی، کِلاب، مُرّه، کعب، لُؤی، غالب، فِهر، مالک، نَصْر، کِنانه، خُزیمه، مُدرکه، الیاس، مُضَر، نِزار و مَعَدّه تا چند نسل. نسب برخی از مادران به یکی از قبایل قریش و برخی به عدنان و برخی به اِرم‌بن‌سام‌بن‌نوح ختم شده است. در پایان مؤلف عنوان کرده که نیای عدنان از جانب قَیذَر بن اسماعیل بن ابراهیم با سی و چند پدر که بعضی تا چهل بر شمرده‌اند به آدم (ع) ختم می‌شود (ابن حبیب، ۱۴۱۶: ۳۴-۳۳).

از نظر سترسین «در عصر عباسیان تدوین آناری در زمینه انساب برای بر شمردن مفاخرات عرب و رد شعوبیه در آنچه در مثال عرب نوشته‌اند، متداول بوده است.» (سترسین، ۱۴۱۲: ۸) پیش از ابن حبیب نیز هشام بن محمد بن سائب کلبی^۱ و مدائنی آناری با عنوان *امّهات النبی* و *امّهات الخلفاء* تدوین کرده‌اند و حتی در کتیبه‌ای به جای مانده از عصر جاهلیت با عنوان کتیبه حسائن تا سه نسل نسب‌شناسی از جانب مادر صورت گرفته است - J. Ryckmans, 1986: 11- (64)؛ البته آثار ابن کلبی و مدائنی موجود نیست و اظهار نظر درباره محتوای آثار ممکن نیست؛ زیرا گاه آثار نوشته‌شده با این عناوین نظیر *امّهات الخلفاء* از ابن حزم اندلسی (د. ۴۵۶هـ) صرفاً در

۱. در باب چارچوب‌های تاریخ‌نگاری هشام کلبی (نک: منتظرالقائم، ۱۳۹۴: صص ۱۶۸-۱۴۹).

معرفی نام مادر خلفا بوده (ابن حزم، ۱۹۸۰: ۳۱-۱۲) و گونه‌ای در «نام‌نگاری» به شمار می‌آید، حال آنکه *امهات النبی* از ابن حبیب قدیمی‌ترین اثر به‌جای‌مانده از گونه «مادرنگاری» و در زمره یکی از گونه‌های فرعی «نسب‌شناسی» است که هدف از تألیف آن ذکر سلسله نسب پیامبر از جانب مادر برای بیان شرافت ایشان در نسب بوده است.

۳.۲. نام‌نگاری

بیشتر آثار ابن حبیب را می‌توان از گونه نام‌نگاری شمرد. منظور از نام‌نگاری پرداختن به اسامی از زوایای مختلف به‌منظور شناخت بیشتر افراد است. گاه نام‌نگاری صرفاً در شناخت اسامی افراد و نگارش در القاب، کنیه‌ها و نام افراد بوده که با تدوین «مؤتلف‌ها و مختلف‌ها»^۱ به کمال رسیده است؛ نظیر *کنی الشعراء و من غلبت کنیته علی اسمہ، القاب الشعراء و من یعرف منهم بأمه، مختلف القبائل و مؤتلفها و من نسب الی أمه من الشعراء*. گاهی نیز نام‌نگاری در معرفی گروهی خاص از افراد بوده که از منظری به یکدیگر شباهت داشته‌اند؛ مانند *اسماء المعتالین من الاشراف فی الجاهلیه و الاسلام و اسماء من قتل من الشعراء*. در هیچ یک از این آثار ترتیب الفبایی، زمانی و مکانی افراد مدنظر مؤلف نبوده است. ابن حبیب با تدوین چهار اثر در موضوعات متنوع به نام‌نگاری افراد با هدف شناخت اسامی آنها پرداخته است:

القاب الشعراء و من یعرف منهم بأمه در معرفی القاب شاعران است که در ذیل نام قبایل، ابتدا لقب شاعر و سپس نام او را آورده و شاعران منسوب به لقب مادرانشان را نیز ذیل هر قبیله معرفی کرده است. برای نمونه: «و من یعرف بامه من بنی تمیم... و منهم ابن فسوه: و هو عتیبه بن مرداس. اخو بنی کعب بن عمر بن تمیم» (ابن حبیب، ۱۳۹۳: ۵ / ۱۴۵)؛

کنی الشعراء و من غلبت کنیته علی اسمہ اثری در معرفی کنیه شاعران است که در دو بخش تدوین شده و مؤلف در بخش نخست، ۷۰ تن از شعرائی که شهرت کنیه آنها بر نامشان برتری یافته، عرضه کرده و ذیل نام قبایل ابتدا کنیه شاعر و سپس نام و سلسله نسب وی را از جانب پدر آورده است؛ اما بخش دوم در معرفی کنیه ۱۲۸ تن از شعرا است و صرفاً نام شاعر

۱. در لغت *نامه دهخدا* ذیل مؤتلف آمده: «مؤتلف... (اصطلاح رجالی) در اصطلاح اهل حدیث اتفاق اسم دو نفر راوی است در خط و اختلاف بین همان دو اسم است در تلفظ خواه اختلاف از حیث نقطه باشد یا از حیث شکل. اتفاق دو اسم در خط و اختلاف آن دو از حیث نقطه مانند «خیف» و «اخنف» اما اتفاق دو اسم در خط و اختلاف در شکل یعنی اعراب مانند «سلام» و «سَلَام...»؛ در اینجا *مختلف القبائل و مؤتلفها* در معرفی اسامی افراد متعدد از یک قبیله یا قبایل مختلف است که نام ایشان در کتابت مشابه یکدیگر بوده، اما به‌دلیل تصحیف و اختلاف حرکت تلفظ با هم تفاوت داشته‌اند یا از نظر خط و تلفظ همانند، اما متعلق به افراد مختلف بوده‌اند؛ نظیر *المؤتلف و المختلف فی اسماء الشعراء* اثر آمدی (د. ۳۸۵هـ).

و سپس کنیه او بیان شده است (ابن حیب، ۱۳۹۳: ۲۹۶/۵ - ۲۷۹)؛
مُخْتَلَفُ الْقَبَائِلِ و *مُؤْتَلَفُهَا* در معرفی اسامی افراد متعدد از یک قبیله یا قبایل مختلف است که نام ایشان در کتابت مشابه یکدیگر بوده، اما به دلیل تصحیف و اختلاف حرکت تلفظ با هم تفاوت داشتند یا از نظر خط و تلفظ همانند، اما متعلق به افراد مختلف بودند. تحقیق در اسامی افراد از این منظر به دلیل تهی بودن خط عربی از نقطه و شکل که قرائت صحیح برخی نام‌ها را مشکل یا ناممکن می‌کرده (آذرنوش، ۱۳۸۷: ۳۱۱/۱۵)، گویای تبحر علمی مؤلف در نسب‌شناسی است. *مُخْتَلَفُ الْقَبَائِلِ* و *مُؤْتَلَفُهَا* از ابن حیب نخستین اثر در این نوع نام‌نگاری است که به دست رسیده و معلوم نیست پیش از ابن حیب اثری با این عنوان تدوین شده باشد. آیین‌وند کتب *المُؤْتَلَفِ* و *المُخْتَلَفِ* را در جایی گونه‌ای از نسب‌شناسی شمرده و گفته: «کتاب‌هایی با نام *المُؤْتَلَفِ* و *المُخْتَلَفِ* گونه‌ای از نسب‌نگاری است که مؤلف در آن به ضبط نام‌های قبایل و بیان موارد اتفاق و اختلاف [آنها] می‌پردازد. *مختلف القبائل و مؤتلفها* از محمدبن حیب و کتاب‌های *الایناس فی علم الانساب* از الوزير المغربي از نوع مورد اشاره است» (آیین‌وند، ۱۳۸۷: ۲۲۹) و در جایی دیگر ذیل تراجم به این گونه از آثار پرداخته و نوشته: «گاه تراجم‌نگاری به شیوه پراکنده در کتبی مانند *المؤتلف و المختلف، الاسماء و الکنی و الالقاب، کتب انساب*، شرح لغوی و نحوی و ادبی و تاریخ عمومی وارد شده است» (همان: ۲۴۵). در دو تعریف ارائه‌شده عمدتاً به جنبه اسم‌شناسی مؤتلف‌ها و مختلف‌ها توجه شده و باید *مختلف القبائل و مؤتلفها* ذیل گونه نام‌نگاری و به عنوان مقدمه‌ای در تراجم احوال جای گیرد؛ زیرا اگرچه تدوین این اثر بیانگر مهارت علمی ابن حیب در نسب‌شناسی بوده، اثری در شناخت اسامی افراد است نه نسب‌شناسی ایشان. محتوای *الایناس فی علم الانساب* از الوزير المغربي (د. ۴۱۸هـ) نیز برخلاف عنوانش در شناخت اسامی افراد است و چنان‌که مصحح *الایناس* بیان کرده مبنای عمده الوزير المغربي در تألیف *الایناس فی علم الانساب*، *مختلف القبائل و مؤتلفها* از ابن حیب است (المغربی، ۱۴۰۰: ۱۷)؛

از دیگر آثار ابن حیب در گونه نام‌نگاری که به شناخت اسامی افراد اختصاص یافته *مَنْ نُسِبَ إِلَى امَّةٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ* است. این اثر در معرفی اسامی سی‌ونه تن از شعرای عصر اسلام و جاهلیت است که منسوب به اسم مادرانشان بودند. البته این نسبت تنها به نام خود مادر نبوده و گاه به کنیه، لقب و قبیله مادرانشان و حتی گاه به نام مادر بزرگشان منسوب می‌شدند و در یک مورد نیز شاعر را به نام مادر شخص دیگر نسبت داده‌اند.^۱ مؤلف ذیل اسامی به سلسله نسب

۱. شعرائی که منسوب به نام مادرانشان بودند؛ نظیر ابن شَعُوب، ربیع‌بن غزاله، ابن عِزَارَةَ الْهَدَلِي، عمرو بن الصَّمَاءِ الْخَزَاعِي، ابن السَّجَرَاءِ، حَمِيد بن طَاعَةَ السَّكُونِي، ابن اللَّثَمِيَّةِ الْخَتَمِي، یزید بن صَبَّه، ابن الهیجْمَانِه، عمرو بن مَبْرَدَةَ، بشر بن شَلُوَةَ الثَّلَبِي، ابن مِبَادَةَ الْمَرِي، بَشَامَه بن الْغَدِيرِ، اسعد بن الْغَدِيرِ، ابن الدَّغَمَاءِ الْعَجَلِي، عبدالمسیح بن عَسَلَه

شاعر از جانب پدر، چرایی منسوب‌شدن شاعر به آن نام و نقل ابیاتی از شاعر به غنای داده‌های خود افزوده است. مندرجات کُنی الشعراء و مَن غَلَبَتْ كُنْيَتَهُ عَلَي اسْمِهِ، مَن نُسِبَ إِلَى أُمَّهِ مِـن الشعراء، القاب الشعراء و مَن يُعْرَفُ مِنْهُمْ بِأَمَةٍ و مَخْتَلَفِ الْقَبَائِلِ و مَوْتَلَفِهَا اسْمِ شِنَاسِي بِرِ اسَاسِ كُنْيَتِهِ، نسبت به مادر، لقب و در معرفی مشابهت اسامی افراد مختلف از قبایل بوده است. بر مبنای این آثار می‌توان گونه نام‌نگاری را زیر مجموعه کتب حاوی مواد تاریخی و در واقع به‌مثابه صورت خام و آغازین کتب معاجم یا از فروع آن به شمار آورد (طاهری، ۱۳۹۴: ۳۲).

اما اسماءُ الْمُغْتَالِينِ مِنَ الْأَشْرَافِ و اسماءُ مَن قُتِلَ مِنَ الشُّعْرَاءِ گونه‌ای دیگر از نام‌نگاری و در معرفی گروهی خاص از افراد بوده که از منظری به یکدیگر شباهت داشتند. این اثر از دو بخش تشکیل شده و در معرفی اسامی اشراف و شاعرانی از عصر جاهلی و اسلام تا زمان معتصم است که به غیله یعنی با خدعه و نیرنگ، به اصطلاح روزگار ما «ترور» شدند. بخش نخست با عنوان «مِن الْمُغْتَالِينِ» در معرفی اسامی اشراف و شرح چگونگی کشته‌شدن آنها بوده که با ابیاتی از شعرا پیرامون آن حادثه درآمیخته و با معرفی پادشاهانی که خویشاوندان خود را به قتل رساندند، به پایان رسیده است و بخش دوم نیز با عنوان «مِمَّن قُتِلَ غِيْلَةً» شرح چگونگی کشته‌شدن شاعران است. در هیچ یک از دو بخش ترتیب الفبایی و زمانی رعایت نشده است.^۱ عبدالسلام هارون در مقدمه این اثر نوشته: «در گذشته اسماءُ الْمُغْتَالِينِ با نام مَقَاتِلِ الْفُرْسَانِ شهرت داشته است. نخستین بار ابن‌ندیم مَقَاتِلِ الْفُرْسَانِ را از تألیفات ابن‌حیب شمرده و پس از وی یاقوت و صاحب کشف الظنون از آن یاد کرده‌اند.» (ابن‌حیب، ۱۳۹۳: ۱۰۷/۶) وی دلایل کافی در جهت اثبات این ادعا ارائه نکرده و معلوم نیست چرا اسماءُ الْمُغْتَالِينِ همان مَقَاتِلِ الْفُرْسَانِ پنداشته شده است. اگرچه پیش از ابن‌حیب تدوین اثری مستقل با عنوان مُغْتَالِينِ رایج نبوده و استادان و هم‌عصران ابن‌حیب بیشتر در عناوین مَقَاتِلِ یا مَقَاتِلِ تَأْلِيفَاتِي داشته‌اند^۲ و حتی ابو عبیده معمر بن مثنی اختصاصاً اثری مستقل با عنوان

الشیبانی، حرمله بن عسله، عتبان بن وصیله، عمرو بن الابطابه؛ شعریایی که منسوب به کنیه مادرانشان بودند؛ مانند ابن‌ام‌خولی، العربیان بن‌ام‌سهله النبهانی، ابن‌ام‌حزنه، بنی‌ام‌قرقه، زمیل بن‌ام‌دینار، قَعْنَبِ بْنِ ام‌صاحب الفزاری؛ شعریایی که منسوب به قومیت یا قبیله مادرانشان بودند؛ مانند قیس بن‌الحداذیه، ابن‌طُثْرِيَه، ابن‌الواقفیه السدوسی؛ شعریایی که منسوب به لقب مادرانشان بودند؛ مانند ابن‌الذبیبه و شیب بن‌البرصاء؛ شعریایی که منسوب به نام مادر بزرگان خود بودند؛ مانند ابن‌الواقفیه السدوسی که منسوب به نام مادری از مادرانش بود و نیز شاعری که منسوب به نام مادر فرد دیگری بوده است (ابن‌حیب، ۱۳۷۰: ۹۶/۱-۸۳).

۱. برای نمونه: ذیل نام عدی بن‌العبادی آمده: «و قد مر حدیثه فی المغتالین / شرح او در المغتالین گذشت؛ نمونه‌های دیگر: ۲۶۹ و ۲۶۳ و ۲۲۳.»

۲. نظیر مقتل عثمان، مسعود بن عمر و مقتله، مقاتل الفرسان و مقاتل الاشراف از ابو عبیده معمر بن مثنی (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۸۰)؛ مقتل عثمان بن‌عفان، مقتل حبیش، مقتل عمرو بن سعید و خلافت عبدالجبار الازدی و مقتله از

مقاتل الفُرسان^۱ تدوین کرده، اغلب این آثار مفقود است و جز مقتل الحسین از ابومخنف لوط‌بن یحیی به روایت ابن کلبی در دست نیست. صرفاً در شرح نهج البلاغه یک روایت از مقاتل الفُرسان از ابو عبیده ذیل اخبار عمرو بن معدی کرب، شاعر و سوارکار، نقل شده (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۱۲/۱۲)، اما نام عمرو بن معدی کرب در زمره ۱۳۰ تن از اشراف و شاعران مذکور در اسماء المُغتالین نیامده و نیز ابن حبیب تنها ذیل نام سه تن از شعرا از ایشان به عنوان سواره یا فارس یاد کرده (ابن حبیب، ۱۳۹۳: ۲۴۴ و ۲۴۳/۷ و ۲۱۸/۶) در نتیجه این احتمال که اسماء المُغتالین همان مقاتل الفُرسان باشد، دور از ذهن است. افزون بر این به نظر می‌رسد کتب مُغتالین از سنخ کتب مقاتل نبوده؛ زیرا مؤلف از میان انواع قتل‌ها نظیر «فتک»^۲، «غیله»^۳ و «مقتل»^۴ تنها به غیله پرداخته و عنوان اثر در بخش اشراف با عبارت «من المُغتالین» و در بخش شعرا با عبارت «ممن قُتل غیله» آغاز شده و ابن حبیب در شش مورد ذیل اسامی شاعران عباراتی نظیر «و قد مرَّ حدیثه فی المُغتالین»، «و قد کتبناه فی اشراف المُغتالین»، «و قد کتبناه فی المُغتالین» و «و قد کتبت سبب قتله فی المُغتالین» به کار برده (ابن حبیب، ۱۳۹۳: ۲۳۳ و ۲۲۶ و ۲۲۳ و ۲۱۵/۶) و از این جهت شرح شهادت یا ترور علی بن ابی طالب (ع) و حسن بن علی (ع) که با خدعه بوده در اسماء المُغتالین نقل شده، اما شرح شهادت حسین بن علی (ع) در اثر نیامده است.

نتیجه

آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵هـ) بر اساس موضوع یا موضوعات و محتوای هر یک از آنها به دو گونه اصلی همه‌چیزنگاری و تک‌نگاری (قریش‌نگاری، مادرنگاری و نام‌نگاری) دسته‌بندی می‌شود. این گونه‌ها صرفاً حاوی مواد تاریخی‌اند و از نظر ساختار اغلب به صورت فهرستی از نام‌ها یا موضوعاتی پیرامون اسامی افرادند؛ جز المُنَمَّی فی اخبار قریش که به دو

مدائنی (همان: ۱۵۰) و مقتل الحسین از ابومخنف لوط‌بن یحیی به روایت هشام بن محمد بن سائب کلبی.

۱. «فرسان forsān [عر، ج فارس] اسب سواران؛ سواران» (انوری، ۱۳۸۱: ۶/۵۳۰۸).

۲. «فتک [ف/ف/ف] ناگاه کشتن کسی را. ... کشتن از روی غفلت یا به انتهاز فرصت.» (دهخدا)

۳. غیله اسم از اغتبال. او را به غیله کشت؛ یعنی به فریب به جایی برد و او را کشت. کشتن بی‌آگاهی مقتول (ابن منظور، بی تا: ۵۱۰/۱۱).

۴. «مقاتل جمع مَقْتَل به معنای موضع و مکان قتل است. این کلمه مثل مغزی و مغزاه که در معنای غزوه به کار رفته به معنای قتل استعمال شده است و هنگامی که گویند مقتل فلان کس منظور قتل او است. این کلمه بیشتر برای مکان و موضع شهادت شهیدان اسلام به کار رفته و مراد از قتل شهادت است. مقتل‌نگاری در اصطلاح به شعبه‌ای از دانش تاریخ گفته می‌شود که در آن سرگذشت شهیدان با شرحی از مکان و زمان شهادت آنان از زبان راویان بیان می‌شود.» (آیین‌وند، ۱۳۸۷: ۱/۳۰۰-۲۹۹).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۱۲۵

شیوه تاریخ‌نگاری خبر و تسمیه‌نگاری عرضه شده است و از آنجا که محتوای آن به‌طور کامل تک‌نگاشت‌هایی در موضوع قریش است از گونه قبیله‌نگاری به شمار آمده است. موضوع *أَمْهَاتِ النَّبِيِّ* صرفاً مادران پیامبر است و مؤلف به معرفی سلسله نسب پیامبر از جانب مادر به روش مبسوط پرداخته است، بدین‌رو از گونه مادرنگاری و به‌عنوان یکی از شاخه‌های علم نسب‌شناسی دانسته شده است. کنی *الشُّعْرَاءِ* و *مَنْ غَلَبَتْ كُنْيَتُهُ عَلَى اسْمِهِ، الْقَابُ الشُّعْرَاءِ* و *مَنْ يُعْرَفُ مِنْهُمْ بِأُمَّه* و *مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمَّه مِنَ الشُّعْرَاءِ* و *أَسْمَاءُ الْمُعْتَابِلِينَ مِنَ الْأَشْرَافِ* از گونه نام‌نگاری و از نظر ساختار فاقد ترتیب الفبایی و زمانی‌اند. ابن‌حبيب تنها در *المُحَبَّر* در موضوعاتی نظیر سیره‌نگاری، صحابه‌نگاری، مناقب‌نگاری، مثالب‌نگاری و نظایر اینها افزون بر قریش و اشرافیت عربی به تاریخ عرب، امت اسلامی، پیامبران، پادشاهان و آداب و رسوم عرب توجه داشته و اثری با محتوای متنوع در قالب فهرستی از اسامی تدوین کرده است، از این‌رو *المُحَبَّر* اثری از گونه همه‌چیزنگارانه معرفی شده است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۷) «تسمیه» (نام‌گذاری در عربی)، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم جنوردی، جلد ۱۵، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- آقاجری، سیدهاشم؛ حاتمی، امیرحسین (۱۳۹۴) «روش اسنادی و گذار آن در تاریخ‌نگاری اسلامی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۱۳، صص ۳۱-۱.
- آیینه‌وند، صادق (۱۳۸۷) *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین (۱۳۳۷ق) *شرح نهج البلاغه*، به کوشش محمدابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
- ابن‌حبيب (۱۳۹۳ق) *القاب الشُّعْرَاءِ وَ مَنْ يُعْرَفُ مِنْهُمْ بِأُمَّه، نَوَادِرِ الْمَخْطُوطَاتِ، الْمَجْمُوعَةُ الْخَامِسَةُ*، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی.
- _____ (۱۳۹۳ق) *أَسْمَاءُ الْمُعْتَابِلِينَ مِنَ الْأَشْرَافِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ، نَوَادِرِ الْمَخْطُوطَاتِ، الْمَجْمُوعَةُ السَّادِسَةُ*، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی.
- _____ (۱۴۱۶ق) *أَمْهَاتِ النَّبِيِّ*، به کوشش محمد خیر رمضان، بیروت: دار ابن‌حزم.
- _____ (۱۳۹۳هـ) *كُنَى الشُّعْرَاءِ وَ أَلْقَابُهُمْ وَ تَلِيهِ مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمَّه مِنَ الشُّعْرَاءِ، نَوَادِرِ الْمَخْطُوطَاتِ، الْمَجْمُوعَةُ السَّابِعَةُ*، قاهره: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی.
- _____ (۱۳۶۱ق) *المُحَبَّر*، حیدرآباد الدکن: مطبعه جمیعہ دائرةالمعارف العثمانیہ.
- _____ (۱۴۰۰ق) *مُخْتَلَفُ الْقَبَائِلِ وَ الْمُؤْتَلَفُهَا*، به کوشش ابراهیم ایبیری، بیروت: دارالکتب الاسلامی.
- _____ (۱۴۰۵ق) *الْمَنْمَقُ فِي أَحْبَارِ الْقُرَيْشِ*، به کوشش خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.

۱۲۶ / گونه‌شناسی آثار تاریخی ابن حیب بغدادی (د. ۲۴۵هـ) / عطیه شریعت‌نژاد کیاسری و ...

_____ (۱۳۷۰ق) *مَنْ نُسِبَ إِلَى أُمَّهِ مِنَ الشُّعْرَاءِ*، به‌کوشش عبدالسلام هارون، نوادر المخطوطات، المجموعه الاولى، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی.

ابن حزم (۱۹۸۰م) *أُمَّهَاتُ الْخُلَفَاءِ*، به‌کوشش صلاح‌الدین المنجد، بیروت: دارالکتب الجدید.

_____ (۱۴۱۸ق) *جَمَهْرَةُ الْأَنْسَابِ الْعَرَبِ*، به‌کوشش عبدالسلام هارون، قاهره: دارالمعارف.

ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق) *تَارِيخُ مَدِينَةِ دِمَشْقَ*، به‌کوشش علی شیری، بیروت: دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا) *لِسَانُ الْعَرَبِ*، بیروت: دارصادر.

ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب (بی تا)، *الفهرست*، بیروت: دارالمعرفه.

ابوالطیب اللغوی، عبدالواحد بن علی (۱۴۳۰ق) *مَرَاتِبُ النَّحْوِيِّينَ*، به‌کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: مکتبه العصریه.

اذکایی، پرویز (۱۳۷۸)، «تبارشناسی در ایران»، *ایران شناسخت*، شماره ۱۴، صص ۹۶-۱۴۹

بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۲۲ق) *تَارِيخُ مَدِينَةِ السَّلَامِ وَ اِخْبَارُ مَحَلَّتَيْهَا وَ ذِكْرُ قُطَانِيهَا الْعُلَمَاءِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا وَ وَاوَدِيهَا*، به‌کوشش بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶م) *كَشَافُ اصْطِلَاحَاتِ الْفُنُونِ وَ الْعُلُومِ*، به تحقیق رفیق العجم، بیروت: مکتبه لبنان.

جعفریان، رسول (۱۳۹۳ش) *منابع تاریخ اسلام*، تهران: نشر علم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵ش) *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

رابینسون، چیس اف (۱۳۹۷ش) *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الیوری، تهران: سمت.

روزنتال، فرانتس (۱۳۶۸ش) *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

زیبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۲۱ق) *تَاخُ الْعُرُوسِ مِنْ جَوَاهِرِ الْقَامُوسِ*، به‌کوشش ابراهیم التریزی، کویت: مؤسسه الكويت.

سترسین، ک. و (۱۴۱۲ق) *طُرُقُ الْأَصْحَابِ فِي مَعْرِفَةِ الْأَنْسَابِ*، بیروت: دارصادر.

ستوده، غلام‌رضا (۱۳۹۸) *مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی*، تهران: سمت.

سجادی، صادق؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۷۵ش) *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.

صفدی، صلاح‌الدین (۲۰۰۱م) *الوافی بِالْوَقَائِتِ*، به‌کوشش احمد الارناوط، جلد ۱۹، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

صفی‌پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۹۶ش) *مُنْتَهَى الْأَرْبِ فِي لُغَاتِ الْعَرَبِ*، به‌کوشش علیرضا حاجیان‌نژاد، تهران: سخن.

طاهری عراقی، احمد (۱۳۹۴ش) *رده BP/اسلام*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.

عبدمشالی، علی (۲۰۱۶) «ابن حیب بغدادی (ت ۲۴۵هـ)، دراسه فی منهجه و موترده «کتاب المنمق مثالا»، *القادسیه فی الآداب و العلوم التربویه*، المجلد السادس، العدد ۱.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۱۲۷

فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب (۱۴۲۶ق) *القاموسُ المُحیطُ*، به کوشش محمدنعیم العرقسوسی، بیروت: مؤسسه الرساله.

مغربی، حسین بن علی (۱۴۰۰ق) *الایناس فی علم الأنساب*، ریاض: المملکه العربیه السعودیه.
منتظرالقائم، اصغر؛ سعیدی، وحید؛ پناهی، یعقوب (۱۳۹۳) «بررسی چارچوب‌های تاریخ‌نگاری هشام کلبی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۱۳، صص ۱۶۸-۱۴۹.
ناجی، محدرضا (۱۳۷۵ش) «براض بن قیس»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد ۱، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلام.

یاقوت حموی (۱۹۹۳م) *مُعْجَمُ الْأَدْبَاءِ أَوْ إِرْشَادُ الْأَرِيبِ إِلَى مَعْرِفَةِ الْأَدِيبِ*، به کوشش احسان عباس، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

Rosental, Franz (1968), *A History of muslim historiography* history, Leiden, E. J. Brill.

Ilkka Lindstedet (2014), "Al-Madā'inī: kitāb *Almurdaḥāt min qurayṣ* or kitāb *man qutila 'anhā zawjuhā*", *zeitscherft fur geschichte der arabisch islamchen wissenschaften*, frankfurt, 20-21.

Ilse lichtenstadter (1939), "Muhammad ibn habib and his *kitab al-muhabbar*", *journal of the royal Asiatic Society of Great Britian and Irland*, No.1, jan, pp1-27.

Della Vida, G. Levi (1942) "Muhammad ibn Habibs "MATRONYMICS OF POETS"", *Journal of the American Oriental Society*, Vol 62. No.3,1942, pp.156-171.

J. Ryckmans (1986), "A three generations matrilineal genealogy in a Hasaeen inscription: matrilineal ancestry in pre-Islamic Arabia" *Britain through the ages: the archaeology*. London: KP. I, PP11-64.

Tayyara, Abed el-Rahman, (2018), "ibn habibs *kitab al muhabbar* and its place in early Islamic historical writing", *Department of World Languages, Literatures, and Cultures at Engaged Scholarship*.

List of sources with English handwriting

- ‘Abd mošālī, ‘Alī (2016), “Ebn Ḥabīb Al- baḡdādī(245AH): A study of his method and resources in his book al-Munammaq as a model”, *alqādisīya*, V.16.[In Arabic]
- Abū al-Ṭayyeb al-loḡavī, ‘Abd al-wahīd b. ‘Alī(1430), *Marātib al-naḥvīyīn*, with th research of moḥammad abūlfaḍl Ibrāhīm, Beirut: maktabat al-‘Aṣrīyat.[In Arabic]
- Ādartaš, Ādamūš (1387), "Tasmīya", *The Great Islamic Encyclopedia*, under the supervision of sayyed kāzem mūsavī bujnūrī, Tehrān: Great Islamic Encyclopedia, V.15, š.1. [In Persian]
- Ā’nehvand, Šādeq(1387), *Science of history in the Islamic civilization*, Tehrān: Institute for humanities and cultural studies.[In Persian]
- Āqājārī, seyyed ḥāsem, Amīrḥoseīn ḥātāmī(2014), “Tradition method and transition from it in islamic historiography”, *Historical perspective & Historiography*, V. 24, š.13.
- Azkā’ī, Parvīz(1378 š), “Tabāršenāsī dar Iran”, *Iranšenākt*, š.14, 1/139.
- Baḡdādī, Abūbokr Aḥmad b. ‘Alī(1422), *Tārīk madīnat al-Salām wa aḡbār-u muḥaddīthā wa dkr-u quṭānihā al-‘Ulama-i min ahlihā wa wāridihā*, Tašḥīḥ: baššār ‘Awwād, Beirut: dār al-ḡarb al-Islāmī.[In Arabic]
- Deḥḡodā, ‘Alī Akbar(1345), *Loḡatnāme Deḥḡodā*, under the supervision of moḥammad mu’īn va seyyed ja‘far ṣahīdī, Tehrān: samt.[In Persian]
- Ebn Abī al-ḥadīd, ‘Abdulḥamīd(1337), *Šarḥ naḥj al-balāqa*, Qom: The Āyatollāh Mar‘ašī najafī Library.[In Arabic]
- Ebn ‘Asāker, ‘Alī b. Ḥasan(1415), *Tārīk madīnat-u dīmašq*, Beirut: Dār al-fīkr.[In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad (1361), *al-Moḥabbar*, Ḥīydar Ābad al-dakan: maṭba‘at al-jamī‘at dā’irat al-ma‘ārif al-‘oṭmānīyat.[In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad (1370), *Man nasīb-a ilā ommihī mīn al-ššu‘arā’*, edited by ‘Abd salām ḥārūn, *Navādīr al-maḡtū‘āt*, al-majmūat al-awlā: šarīka maktabat wa maṭbū‘at moštafā al-bābī.[In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad (1400), *Moḡtalīf alqabā’īl wa mo’talīfoḥā*, with th research of Ibrāhīm Abyārī, Beirut: dār al-kotob al-Islāmī.[In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad (1405), *al-Monammaq fi aḡbār-e Qorayš*, with th research of Ibrāhīm abyārī, Beirut: ‘Alīm al- kotob.[In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad(1393), *Alqāb-u al-ššu‘arā’ wa man yu’rif mīnhum bī Omah*, *Navādīr al-maḡtū‘āt*, Egypt: šarīka maktabat wa maṭbū‘at moštafā al-bābī, V.5.[In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad(1393), *Asmā’-o al-moḡtālīm mīn al-Āsrāf fi al-jāhīliya wa al-Islām*, Egypt: šarīka maktabat wa maṭbū‘at moštafā al-bābī, V.5. [In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad(1393), *kanyat al-ššu‘arā’ wa alqāboḥom wa yalīha man nasība ilā ommihī mīn al- ššu‘arā’*, *Navādīr al-Maḡtū‘āt*, al-majmūat al-sābī‘at, Egypt: šarīka maktabat wa maṭbū‘at moštafā al-bābī.[In Arabic]
- Ebn Ḥabīb, Moḥammad(1416), *Ommahāt al-Nabī*, with th research of moḥammad ḡeyr ramadān, Beirut: dār b. ḥazm. [In Arabic]
- Ebn Ḥazm (1418), *jamharat-o al-ansāb al-‘arab*, with th research of ‘Abd al-salām ḥārūn, Egypt: dār al-ma‘ārif.[In Arabic]
- Ebn Ḥazm(1980), *Ommahāt al-ḡolafā*, Šālāḥ al-dīn Monjīd, Beirut: dār al-kītab al-ḡadīd.[In Arabic]
- Ebn Manzūr, Moḥammad, *Lisān al-‘Arab*, Beirut: dār al-šādīr.[In Arabic]
- Ebn Nadīm, Moḥammad b. Abī Ya‘qūb, *al-Fīhrīst*, Beirut: dār al-ma‘ārif.[In Arabic]
- Fīrūzābādī, maḡd al-dīn(1426), *al-Qāmūs al-moḡīṭ*, with th research of moḥammad na‘īm al-‘Arḡasūsī, Beirut: Mo’assīsah al-rīsāla.[In Arabic]
- ja‘farīyān, Rasūl(1393), *Sources of Islamic history*, Tehrān: Našr-e ‘Elm.[In Persian]
- Maḡrībī, Ḥoseīn b. ‘Alī(1400), *al-Īnās fi ‘Ilm al-Ansāb*, Riyadh: al-Mamlīka al-‘Arabīya al-Sa‘ūdīya .[In Arabic]
- Nāḡī, Moḥammadreżā(1375), "Barrāz b. Qiys", *Encyclopedia of the World of Islam*, under the supervision of ḡolām ‘Alī ḡadād ‘Adīl, Tehran: The Encyclopedia foundation, V.1.[In Persian]

- Panahi, Yaghoub, Vahid Saedi, Asghar Montazer al-Ghaem, (2014), "The Analysis of hesham kalbis historiography frameworks", Historical perspective & Historiography, V. 24, §13.
- Robinson, chase F(2003), *Islamic Historiography*, Tarnslated by Mohsen Alvīrī, Tehrān: samt.[In Persian]
- Rosental, Franz(1968), *A histopry of muslim historiography*, Tarnslated by Asadollāh Āzād, Enteshārāt Āstān quds razawī.[In Persian]
- Şafadī, şalāh al-dīn(2001), *al-Wāfī bil Wafīyāt*, with th Research of Aḥmad Alarnawūt, Beirut:DarIhyā' alturāt al-'Arabī.[In Arabic]
- Şafīpūrī, 'Abd al-Raḥīm b. 'Abd al-karīm(1396), *Montahī al-'Arab fī loḡat-e al-'Arab*, Tehrān: Sokān.
- Sajādī, Şādeq , Hādī 'Alemzādeh (1375), *A historiograohy in Islam*, Tehrān: samt.[In Persian]
- Sītūsīn, K.w(1412), *Torfāt al-Aşḥāb fī Ma'rīfat al-Ansāb*, Beirut: dār şādīr.[In Arabic]
- Tahānavī, moḥammad 'Alī(1996), *Kaşşāf-işīlāhāt al-fonūn wa al-'Olūm*, with th research of Rafīq al-'Aĵam, Beirut: maktabat Lebanon.[In Arabic]
- Ṭāherī 'Arāqī(1394), *Radīh BP Islām*, Tehrān: Sāzmān Asnād va ketāb kaneh ĵomhūrī Eslāmī Iran.[In persian]
- Yāqūt Hīmavī(1993), *Mo'jam al-Odaba' aw Irşād al-Urīb Ilā ma'rīfat al-adīb*, with th research of Iḥsān 'Abbās, Beirut: dār al-Ġarb al-Islām.[In Arabic]
- Zabīdī, Sīyyīd moḥammad Mortūzā(1412), *Tāj al-'Arūs fī ĵamāhir alqāmūs*, with th research of Ibrāhīm al-Tarzī, Kuwait: Mo'assisah al- Kuwait.[In Arabic]

Reference in English

- Rosental, Franz (1968), *A History of muslim historiography*history, Leiden, E. J.Brill.
- Ilkka Lindstedet(2014), "Al-Madā'inī:kitāb *Almurdafat min qurayş* or kitāb *man qutila 'anhā zawjuhā*", *zeitscherft fur geschichte der arabisch islamchen wissenschaften*,frankfurt, 20-21.
- Ilse lichtenstadter (1939), "Muhammad ibn habib and his *kitab al-muhabbar*", jurnal of the royalAsiatic Society of Great Britian and Irland, No.1, jan, pp1-27.
- Della Vida, G. Levi (1942), "Muhammad ibn Habibs "MATRONYMICS OF POETS"", Journal of the American Oriental Society,Vol 62. No.3,1942,pp.156-171.
- J.Ryckmans (1986),"A three generations matrilineal genealogy in a Hasaeen inscription: matrilineal ancestry in pre-Islamic Arabia" Britain through the ages: the archaeology. London: KP.I, PP11-64.
- Tayyara, Abed el-Rahman (2018), "ibn habibs *kitab al muhabbar* and its place in early Islamic historical writing", Department of World Languages, Literatures, and Cultures at Engaged Scholarship.



Typology of Historical Works of Ibn Ḥabīb Baġdādī (245 AH)¹

Atiyeh Shariatnejad Kiasari²
Hadi Alemzadeh³
Yones Farahmand⁴
Masoumali Panjeh⁵

Received: 2021/1/23
Accepted: 2021/5/20

Abstract

Abū Jaʿfar muḥammad ibn Ḥabīb Baġdādī, a prolific writer and historian of the third century AH, has been attributed more than thirty-seven works, of which only eleven are available. Of these works, eight are in the category of historical works and three are in the category of books of literature and vocabulary. It has been attempted in this article to present a new typology of Ibn Habib's historical writings. By analyzing the themes and content of Ibn Ḥabīb 's surviving historical works, they can be classified into two major types of multiplegraphy and Monography (tribegraphy, mothergraphy and nomengraphy). *al-muḥabbar* is a multiplegraphy that is a combination of different types of historiography under 175 titles has various content in sīra, biographies of šahāba, genealogy, women status, history of the Caliphs, manāqib and maṭālib figures and information on Arab customs; but *al-munammaq fī akbār-i qurayš* and *ummahāt-u al-nabī* is an instance of monography which can also be termed as “tribegraphy” and “Mothergraphy”. Other works of ibn ḥabīb such as *asmāʾu al-muġtālīn min al-ašraf fī al-ġahiliya wa al-islām*, *asmāʾu man qutila min alššuʿarāʾ* and *muḳtalīf-u al-qabāʾil wa muʿtalīfuhā* which are among Ibn ḥabīb's innovations and are of the monograph type, can be categorized as nomengraphy.

Keywords: Ibn Ḥabīb Baġdādī's Historiography, Multiplegraphy, Monography, Tribegraphy, Mothergraphy, Nomengraphy.

1. DOI: 10.22051/HPH.2021.34837.1493

2. PhD candidate, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: shariatnejad.63@gmail.com.

3. professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author) Email: hd.alemzadeh@gmail.com

4. Associate professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Farahmand@srbiu.ac.ir

5. Assistant Professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: panjeh@srbiu.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507